

بحث قانونی

توقیف اشخاص و اخذ جریمه بر طبق مقررات قانون ارتکبین قاچاق مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۱۲

قبل از ورود بمبحث لازم میدانم موادی را که باید راجع بآن بحث شود از قانون ارتکبین قاچاق مصوب ۲۹ اسفند نقل نمایم :

ماده ۷ - « در هر مورد که مرتکب قاچاق یا مرتکبین اعمالی که در حکم قاچاق است جریمه مقرر در این قانون را نپردازند بتقاضای ادارات و مأمورین وصول عایدات دولت توقیف میشوند و مادام که تادیه جریمه را با موافقت اداره مربوطه تامین ننموده و یا حکم قطعی بر برائت آنها صادر نشده است در توقیف خواهند بود لکن مدت توقیف آنها نباید در مقابل هر ده ریال بدهی بیش از یکروز باشد و در هر حال از دو سال تجاوز نخواهد کرد افلاس مرتکب مانع از توقیف نخواهد شد قرار توقیف اشخاص مذکور فوق را مستنطق مربوطه با ادارات و مؤسسات وصول عایدات که وزارت عدلیه از میان مستخدمین دولت معین میکند صادر مینماید در صورت نبودن مستنطق مزبور قرار توقیف از طرف مستنطق مامور در نزد محکمه حوزه وقوع یا حوزه کشف و یا حوزه دستگیری متهم صادر میشود و ای در این صورت تحقیقات مستنطق خارج از نوبت بعمل خواهد آمد قرار های مزبور قابل استیناف و تمیز نیست لکن شخص توقیف شده میتواند مطابق ماده ۸ بمحکمه مراجعه نماید حکام و مأمورین نظمی و امنیه مکلف میباشند که بتقاضای ادارات و مأمورین وصول عایدات دولت قرار های مذکور را فوراً بموقع اجرا گذارند :

مواردی را که اداره یا مامور وصول عایدات میتواند از قرارهای مستنطق شکایت نماید و همچنین موعد و مرجع شکایت مزبور و طرز رسیدگی بآنها و وزارتین عدلیه و مالیه بسا موافقت یکدیگر بموجب نظامنامه معین خواهند کرد .

تبصره - در مورد شروع بجرم قاچاق متهم حق دارد قبل از پرداخت جریمه بمحکمه رجوع کند و مادام که حکم بمجرمیت صادر نشده مال موضوع دعوی قاچاق توقیف خواهد بود .

ماده ۸ - کسی که جریمه از او گرفته شده و یا برای وصول جریمه توقیف شده است میتواند در صورتیکه منکر ارتکاب قاچاق باشد تا ده روز پس از پرداخت جریمه یا ده روز پس از تاریخ توقیف با رعایت مسافت قانونی بمحاکم عدلیه مراجعه نماید . در اینصورت اداره مامور وصول عایدات دوسیه امر را بمحکمه فرستاده و در صورتی که مجرم نبودن شاکی ثابت شد جریمه مآخوذه مسترد خواهد شد و هر گاه ارتکاب شاکی بجرم قاچاق ثابت شد محکمه او را بمجازات حبس مقررہ برای مجرمین قاچاق و صدی سی علاوه از جریمه مقررہ محکوم خواهد کرد .

تبصره ۱ - مرتکبین که بتادیه جریمه نقدی قادر نباشند علاوه بر حبس مقررہ در این قانون در مقابل هر ده ریال جریمه یک روز حبس خواهند شد ولی مدت حبس بسبب جریمه با احتساب مدت خدمت توقیف نباید از پنجاهت تجاوز نماید .

تبصره ۲ - شاکی تا حکم استینافی در باره او صادر نشده در توقیف خواهد ماند .

تبصره ۳ - ادارات مامور وصول عایدات مکلف اند بکسی که برای اخذ جریمه توقیف میشود کتباً ابلاغ کنند که در صورت انکار ارتکاب تا ده روز با رعایت مسافت قانونی میتواند بمحاکم عدلیه مراجعه کند و الا حق شکایت او ساقط خواهد شد .

ماده ۱۹ - وزارت مالیه مجاز است بکاشفین و مخبرین و همچنین بمامورین استثنائی که در کشف قاچاق و ضبط جنس دخالت داشته اند .

تا میزان صدی پنجاه از حاصل غیرخالص و اعم وصولی و تا میزان صدی پنجاه از قیمت اجناس ضبط شده مطابق مقررات نظامنامه وزارت مالیه بردازد نتایج حاصل از مواد فوق و انتقاد نسبت بهر يك :

اول - ماده ۷ -

الف - بموجب این مساده مامورین وصول عایدات دولت حق دارند برای هر امری که بنظر آنها قاجاق باش. تقاضای توقیف اشخاص را بکنند و شخص مضمون هر گاه جریمه را که مطالبه میشود بردازد توقیف خواهد شد و تا جریمه را بردازد در توقیف باقی خواهد ماند :

البته اگر توقیف شخصی را بعلت ارتکاب قاجاق از مستنطق رسمی عدلیه بخواهند باید دلالتی ارائه کنند که دلالت بر ارتکاب قاجاق داشته باشد تا مستنطق اصولاً بتواند شخص مورد سوء ظن را احضار نماید در این قانون چون مستنطق عدلیه بمجرد سوء ظن کسی را توقیف نمیکند برای اینکه مانع قانونی در میان نباشد يك نوع مستنطق جدیدی ساخته اند که مستخدم اداری دولت است و تابع اداره مربوطه و فقط شرط تعیین او این است که وزارت دادگستری او را باین سمت برگزیند در صورتیکه با فرض معین شدن از طرف وزارت دادگستری دیگر وزارت دادگستری فرمان سواد و معلومات و شرائط لازم برای يك مستنطق دادگستری را نمیتواند باو اعطاء کند تا بگوئیم با فرمان وزارت دادگستری يك شخص اداری شخص قضائی و واجد صلاحیت فنی و علمی میشود بنا بر این هم يك موردی است که اختیار از قوه قضائیه سلب و بقوه مجریه سپرده شده است .

ب - بموجب این ماده اگر شخص مضمون جریمه را بردازد توقیف میشود و هر گاه تادیه جریمه را با موافقت اداره مربوطه تامین نکند تا صدور حکم قطعی بر برائت در توقیف باقی میماند .

از این موضوع سه نتیجه حاصل میشود :

اول - شخص مضمون در صورتیکه حاضر بتأمین جریمه نشود شرط موافقت اداره مربوطه است در صورتیکه باید مقامات قضائی مامور تعقیب و تحقیق را برای سپردن تأمین قانع سازد و ادارات ممکن است برای موفق شدن

در اخذ جریمه از او و منصرف ساختن او از استفاده از حق شکایت موافقت با تامینی که او میدهد نکند چه همان‌ها که باید موافقت کنند ممکن است خود ذینفع در حق‌الکشف باشند.

دوم - لازم می‌آید که شخص در تمام مدت محاکمه در توقیف بماند بنا بر این کسی که نتواند جریمه را بدهد و تامین مورد قبول ادارات مربوطه را ندهد در توقیف باقی خواهد ماند و اگر حکم برائت او صادر گردید آنوقت شخصی بدون اینکه گناهی داشته باشد مدت زیادی در زندان مانده و این قسمت ابداً چبران پذیر نیست زیرا آزادی شخص سلب شده و عمر او در توقیف گناه تلف گردیده است.

سوم - لازم می‌آید شخصی که گناهکار نیست قبل از محکوم شدن جریمه پرداخته باشد و حکمی که در باره مجرم باید صادر شود در باره بیگناه قبلاً صادر شده و اجرا هم گردید ولی بعد معلوم شده شخص بیگناه بوده است.

پس این قانون يك قانون استثنائی است که نظیر آنرا نمیتوان یافت که شخص را در تمام مدت محاکمه در توقیف نگاهدارند و آنچه را در صورت حکم قطعی باو تعلق خواهد گرفت قبلاً وصول کنند و سپس معلوم شود که بیگناه است.

تنها طریقی که در قانون مزبور پیش بینی شده ماده ۱۷ است که مامورین دولت را پس از ثبوت بانفصال ابد محکوم میداند در صورتیکه این عمل تأثیری در حق اشخاص ندارد و جبران خسارت مادی و معنوی از آنها نمیکند.

ب - قرارهای توقیف اشخاص مضمون قابل استیناف و تمیز نیست - این يك قانون بسیار سخت و غیر منطقی است زیرا شکایت از قرار توقیف يك حق اصولی است که بهر مضمون و متهمی داده میشود و در تمام جرائم این حق برای افراد هست حتی در قوانین دیوان کیفو هم این حق وجود دارد ولی مرجع شکایب را وزیر دادگستردی قرار داده.

در این مورد اگر قرار توقیف صحیحاً صادر شده بجهت ادارات مربوطه

نرس از شکایت شخص مظنون نسبت به قرار توقیف دارند .

پس این سخت گیری قانونی هیچ مبنا و منطقی ندارد و قصد واضعین آن سخت گیری بوده و از مواردی است که مسلماً حق افراد را تضییع میکند از یکطرف از افراد مردم حق شکایت از قرار توقیف مستنطق سلب شده ولی با ادارات و مامورین وصول عایدات حق شکایت از قرار مستنطق داده شده و معلوم نیست این ترجیح یک طرف دعوی بر دیگری چه علتی دارد .

دوم - ماده ۸ :

الف - بموجب این ماده فقط تا مدت ده روز شخص حق مراجعه بمحکمه را دارد و اگر مجرم نبودن ثابت شد جریمه ماخوذه مسترد میشود . پس در مورد این گونه دعاوی اصل مجرم بودن است و باید مجرم نبودن ثابت شود در صورتیکه قبل از حکم مجازات اجراء میشود .

ب - سی درصد هم علاوه بر جریمه مجازات مراجعه بمحکمه است . در صورتیکه مراجعه بمحکمه حق هر فردی است و استفاده از این حق نباید توأم با جریمه باشد .

ج - با وجود این مقررات سخت مدت مراجعه بمحکمه لمیل است و میبایستی بیشتر از ده روز باشد .

سوم - حق الکتفی که بکاشفین و مخبرین و سایر اشخاص داده میشود اولاً بمرور است و باید حذف شود زیرا اشخاص مزبور اگر مستخدم دولت باشند در مقابل انجام وظیفه حقوق ثابت دارند و این استثناء نسبت بیکدمه غلط است - ثانیاً - اگر بجهت تشویق و پاداش باشد بسیار مبلغ آن گزاف است و همین گزاف بودن مبلغ سبب شده است که از مقررات این قانون در مواردی سوء استفاده شده تا آنجا که وزارت دادگستری خود متوجه عیوب این قانون شده و قبل از شهریور ۱۳۲۰ حتی اقدام بنسخ مواد نامبرده در این مقاله نموده ولی بعد از آن تعقیب نشده و مثل لوائح دیگر فراموش شده است .

لذا یکبار دیگر توجه وزارت دادگستری را بلزوم بنسخ مواد نامبرده

جلب مینمایم .